



بسم الله الرحمن الرحيم

امروز جلسه‌ی بسیار خوبی بود و از استماع آیات کریمه‌ی قرآن از حنجره‌ی این بلبلان بوستان قرآنی حقیقتاً لذت بردیم. از برگزار کنندگان این مراسم باشکوه و باارزش هم خیلی تشکر میکنم و امیدوارم که ان شاء الله روزبه‌روز توفیق ما برای نزدیکی به قرآن بیشتر شود.

حقیقت این است که ما هنوز از قرآن خیلی دوریم و خیلی فاصله داریم. دل‌های ما باید قرآنی بشود. جان ما باید با قرآن انس بگیرد. اگر بتوانیم با قرآن انس بگیریم، معارف قرآن را در دل و جان خودمان نفوذ بدهیم، زندگی ما و جامعه‌ی ما قرآنی خواهد شد؛ احتیاج به فعالیت و فشار و سیاستگذاری ندارد. اصل این است که دلمان، جانمان و معرفتمان حقیقتاً قرآنی باشد.

من به شما عرض کنم؛ سال‌های متمادی تلاش شده است که بین معارف قرآنی و دل‌های جامعه‌ی مسلمانان و امت اسلامی فاصله ایجاد شود؛ الان هم تلاش میشود. الان در بعضی از کشورهای اسلامی رؤسای مسلمان این کشورها به خاطر رعایت دشمنان اسلام، حاضرند فصل جهاد را از تعلیمات اسلامی‌شان خارج کنند. حاضرند معارف قرآنی را در آنجائی که به منافع آنها صدمه میزند، از تعالیم عمومی خودشان، در مدارسشان و بین جوانهایشان خارج و دور کنند. امروز هم این تلاش هست.

قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فلنحييها حياة طيبة». (1) حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن میگوید: «فلنحييها حياة طيبة»، یعنی همه‌ی اینها؛ یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با اینها فاصله داریم؛ باید به اینها برسیم.

انس با قرآن، آشنائی با قرآن، ما را نزدیک میکند. این جلسات قرآنی، این دوره‌های قرآنی، این مسابقات قرآنی، اینی که ما به تربیت قراء و حقاظ دل بستیم، به خاطر این است؛ اینها همه‌اش مقدمه است؛ ولی مقدمات لازمی است. من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن أحد الا قام عنه زیادة او نقصان، زیادة فی هدی او نقصان من عمی»؛ (2) هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته میشود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا میکند و جاری میشود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است. مقدمه‌ی این کار این است که بتوانیم قرآن را بخوانیم، بتوانیم قرآن را حفظ کنیم؛ حفظ قرآن خیلی مؤثر است. جوانها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آنها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی باارزش است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید. آنهائی که حافظند، این نعمت بسیار بزرگ الهی را قدر بدانند؛ نگذارند حفظشان ضعیف بشود یا خدای نکرده از دست برود.

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ اینها همه لازم است. اگر اینها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو میرویم و توقف دیگر وجود ندارد.

و من به شما عرض کنم؛ در این سی و یک سال، این حرکت رو به جلو وجود داشته. قبل از انقلاب در کشور ما



خبری از قرآن نبود. گوشه و کنار، يك عاشقی پیدا میشد، يك جلسه‌ی قرآنی درست میکرد، ده تا، پانزده تا، بیست تا طالب قرآن را دور خودش جمع میکرد. دیده بودیم، در همه‌ی شهرها بود؛ در تهران بود، در مشهد ما بود. این حرکت عظیم جوانها به سمت قرآن، این خبرها نبود؛ این شوق به خواندن قرآن و تلاوت قرآن، این تربیت انبوه خوانندگان متبحر در تلاوت قرآن، این حرفها وجود نداشت؛ حفظ وجود نداشت. وقتی این جوانها که حافظ قرآند، می‌آیند قرآن را از حفظ میخوانند، بنده از اعماق دل خدا را شکر میکنم. اینها به برکت انقلاب بود، به برکت اسلام بود؛ اینها را قدر بدانید.

هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، دو اتفاق می‌افتد: يك اتفاق اینکه ما قوی‌تر میشویم؛ اتفاق دوم اینکه دشمنان بین‌المللی ما، علیه ما بیشتر بسیج میشوند؛ خوب، بشوند. هرچه به سمت قرآن برویم، هرچه به قرآن نزدیکتر شویم، دشمنان بشریت بیشتر خشمگین میشوند؛ تهمت میزنند، دروغ میگویند، شایعه درست میکنند، فشار اقتصادی می‌آورند، فشار سیاسی می‌آورند، انواع و اقسام خبائتها و ملعنتها را با ملت ما میکنند - کما اینکه می‌بینید دارند میکنند - اما در مقابل، توان ما، قدرت تحمل ما، قدرت تأثیرگذاری ما روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، مضاعف خواهد شد؛ کما اینکه می‌بینید شده.

امروز جبهه‌ی مخاصم با جمهوری اسلامی ایران را نگاه کنید؛ يك جبهه‌ی عریض و طویل است؛ همه‌ی شیاطین و اشرار عالم در این جبهه جمعند؛ از صهیونیستها تا آمریکائی‌ها، تا خبیث‌ترین دولتهای غربی، تا وابسته‌ترین و حقیرترین دولتهای غیرغربی - حالا دائره را بیشتر محدود نکنیم - همه توی این جبهه هستند؛ هر کاری هم که میتوانند، دارند میکنند. خیال نکنید کاری هست که دشمنان ما میتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام ندهند؛ نه، هر کار توانستند، تا حالا کرده‌اند؛ هر کاری هم که بتوانند، میکنند. هر کار نمیکند، به خاطر این است که نمیتوانند. اما ملت ایران، با قدرت، با عزت و با سربلندی، در مقابل همه‌ی اینها ایستاده است.

فرمود: «حبل ممدود من السماء»؛ (3) این قرآن حبل الهی است؛ ریسمان مستحکم الهی است که اگر به آن چنگ زدیم، لغزش و افتادن و گم شدن و اینها دیگر در آن نیست.

پروردگارا! ما را با قرآن زنده بدار، ما را با قرآن بمیران، ما را با قرآن محشور کن. پروردگارا! قرآن را از ما راضی کن. پروردگارا! ما را از قرآن و اهل بیت لحظه‌ای جدا مکن. پروردگارا! شهدای عزیز ما و روح مطهر امام بزرگوار ما را با اولیائت محشور کن.

از همه‌ی میهمانان عزیز هم تشکر میکنیم؛ مخصوصاً این دو قاری محترم که تلاوت کردند؛ آقای نعینع و آقای شاذلی. تلاوت هر دوشان خیلی خوب بود. ان شاء الله خداوند آنها را موفق و مؤید بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) نحل: 97

(2) نهج البلاغه، خطبه‌ی 176

(3) ارشاد القلوب، ج 2، ص 306